

اگر بیماری گاهی سودمند باشد، بیماری من در هفته‌ای بود که یک شمارهٔ سمرقند، یادنامهٔ سرایندهٔ فقید هوشنگ ابتهاج، که دوست گرامی و دیرینم آقای علی دهباشی توسط بانو مینا حجت، رئیس نشر شور، برای من فرستاده بود، در هامبورگ به دستم رسید. زیرا فرصتی بود که هفته‌ای از کار همیشگی خود دست بکشم و با خواندن و دیدن این یادنامهٔ از یادنرفتنی لذت خبر را با حظ نظر توأمان ببرم. باری، در مقالهٔ استاد بهاءالدین خرمشاهی که آب‌آشنای دریای حافظ است، دربارهٔ تصحیح قیاسی در پیتی از خواجه نظری داده شده بود که برای من پرسشی از حافظ‌پژوهان پدید آورد. آن بیت چنین است:

گر جان به تن ببینی، مشغول کار او شو      هر قبله‌ای که ببینی، بهتر ز خود پرستی

و تصحیح قیاسی چنین: گر خود بتی ببینی...

با این تصحیح قیاسی بیت چنین معنی می‌دهد: حتی اگر بتی ببینی به خدمت او پرداز، یعنی او را پرستش کن. آیا نسبت چنین سخنی که تبلیغ بت پرستی است، به حافظ جایز است، بویژه آنکه شرط دیدن بت حواله به محال نیست. دیگر اینکه آیا ضمیر مشترک «خود» در کارکرد قید تأکید، در اشعار حافظ چه جایی دارد؟ البته اگر گواه داشته باشد، ایرادی بر آن نیست.



• دکتر جلال خالقی مطلق (عکس از: مریم اسلوبی)

تصحیح قیاسی دیگری که نخست به نظر من رسید، این بود: هر جا بتی ببینی... که از نظر شکل خط به صورت فاسدشده کمی نزدیکتر است، ولی بلافاصله دیدم که بر آن همان ایراد بالا وارد است. پیشنهاد دیگری که به نظر من رسید اینکه تنها «تن» را به «بت» تصحیح کنیم: گر جان به بت ببینی... یعنی: فرض بر اینکه بتی ببینی که جان داشته باشد، به خدمت او درآی و او را پرستش کن، زیرا... گویا حافظ هنگام سرودن این بیت، این بیت سعدی را در خاطر داشته بوده است:

کافران از بت بی جان چه تمتع دارند      باری آن بت بپرستند که جانی دارد.

اگر آنچه نوشتم، پیش از این مورد بحث حافظ‌شناسان قرار گرفته و من حافظ‌شناس از آن بی‌خبر مانده‌ام، از فرستادن زیره به کرمان و جغد به آتن و شتر به عربستان پوزش می‌طلبم.

جلال خالقی مطلق